

نگاهی به استعمار و خرید و فروش زنان و کودکان



مرگان فرجی

برده‌داری نوین، استعمار مدرن

اسرائیل و خاورمیانه از طریق ترکیه و قبرس، آفریقای غربی به خاورمیانه و اروپا، نایلد و فیلیپین به استرالیا و نیوزیلند و تایوان، کامبوج و برمه و ویتنام به تایلند، نیال و بنگلادش به هندوستان، هندوستان و پاکستان به خاورمیانه استفاده می‌شود. دکتر مرعشی در مورد کاربرد کودکان قاچاق شده از کشورهای دیگر، اضافه می‌کند: "به طور معمول این گروه از قاچاقچیان از کودکان در کارهایی نظیر سوء استفاده جنسی، یعنی به فحشا گماشتن آنها، کار کودک به ویژه در فروش مواد مخدر، گماشتن کودکان در مناقشات مسلحانه، ازدواج‌های اجباری به خصوص در مورد دخترچهاره‌بهره‌برداری می‌کنند. به طوری که سالیانه بین ۵ تا ۷ هزار دختر نیالی به هندوستان قاچاق می‌شوند. هم‌چنین نزدیک به ده هزار دختر از کشورهای همسایه وارد تایلند می‌شوند. حتی در کشورهای عربی، پسران را برای انجام مسابقات شتررانی، که نوعی تفریح و سرگرمی در این کشور به حساب می‌آید خریداری می‌کنند."

با آن که حدود دو قرن و نیم از پی بردن بشر به مفهوم دوران کودکی می‌گذرد، عده‌ای با استفاده ناصحیح از کودکان، آنان را وسیله کسب خود قرار داده‌اند و از این طریق امرار معاش می‌کنند. حتی تا جایی پیش رفته‌اند که آن‌ها را تحت عنوان فرزندخوانده به خانواده‌هایی که صاحب فرزند نمی‌شوند، می‌فروشند.

نسرین ترابی یکی از متقاضیان فرزند، می‌گوید: "پس از گذشت دو سال از زمان تقاضا و بالا و پایین رفتن بسیار از پله‌های دادگاه، با پیشنهاد وسوسه‌انگیز خرید فرزند از طرف یکی از دوستانم، که با موقعیت من کاملاً آشنا بود، مواجه شدم. گرچه حاضر نشدم به انجام این عمل غیرانسانی تن دهم ولی برای مدت طولانی فکرم را به خود مشغول ساخت."

کودکانی که به این شیوه در بازار "انسان" عرضه می‌شوند، از فقر شدیدی رنج می‌برند و احتمال مرگ آن‌ها به دلیل سوء تغذیه یا بیماری‌های مختلف حتی تا قبل از چهار سالگی وجود دارد، ولی هیچ وجدان آگاهی نمی‌تواند آن‌ها را کالایی با

کودکان به لحاظ ویژگی‌های سنی خود بسیار آسیب‌پذیرند. با وجود این، گاهی بزرگسالان به جای کمک صحیح برای شکل‌گیری رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی آن‌ها، به نوعی موجب آسیب دیدن سلامتشان می‌شوند. در همین زمینه، جای تأسف است که بگوییم یکی از مهم‌ترین مسائلی که مراکز قانونی در گوشه و کنار جهان امروزه با آن درگیرند، مسأله خرید و فروش یا قاچاق کودکان به دست والدین و یا سایر اولیاست (یعنی افراد بالقی که مسئولیت بچه‌ها را برعهده دارند.) فروش کودک نه مطلب جدیدی است، نه از دید قانون‌گذاران و مجریان آن پنهان مانده است. لیکن به علت بی‌تفاوتی جامعه و دست‌اندرکاران آن، تاکنون به صورت جدی مطرح نشده است، تا جایی که صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، با آن که چنین قاچاقی را تکذیب نمی‌کند، به علت در دسترس نبودن آمار و ارقام، احتمال میزان ارتکاب به این جرم را در ایران نسبت به سایر کشورها کمتر می‌داند. دکتر حمید مرعشی، کارشناس و مسئول اطلاع‌رسانی یونیسف با تأکید بر این نکته که کسب آمار در این زمینه ربطی به یونیسف ندارد، می‌گوید: "فعالیت این سازمان با بودجه و توان محدود در کشور صورت می‌گیرد که عمده مشکلات را در برنامه‌های پنج ساله دنبال می‌کند." اما در این بین، به دلایل متفاوت، بحث قاچاق کودکان در برنامه مزبور گنجانده نشده است. به عبارتی، ما صرفاً برنامه خود را دنبال می‌کنیم زیرا اقدامات یونیسف مانند روزنامه‌نگاران نیست که بر اساس اتفاقات یا ضروریات پیش برود. در واقع، قدم‌های این سازمان طبق همان برنامه پنج ساله برداشته می‌شود."

تعجب‌آور است اگر بدانیم که به طور کلی در دنیا میزان قاچاق انسان را بین ۷۰۰ هزار تا ۴ میلیون نفر تخمین زده‌اند، که در این میان سومین تجارت پرسود، خرید و فروش کودکان است. به همین دلیل، رد و بدل کردن این کالای پرارزش بسیار حائز اهمیت است. بر این اساس، غالباً از مسیرهای جمهوری‌های سابق شوروی به سمت اروپای غربی، کشورهای بالتیک و رومانی به ایتالیا، رومانی به



همچنین، شهریانو کوبال، رییس گروه مراکز شبانه‌روزی سازمان بهزیستی، در این باره گفت: «در ماده دو قانون، کودکانی که به زوجین متقاضی، تحت عنوان فرزندخوانده تحویل داده می‌شوند، از ارث بهره نمی‌برند و قانون هیچ تضمینی در این زمینه برای آینده کودکان در نظر نگرفته است. البته تا به امروز کارشناسان بهزیستی جهت اعمال نظرات کارشناسانه خود و جلوگیری از ضایع شدن حق احتمالی متقاضیان، خواستار تصویب قانونی بوده‌اند که از این طریق آنان هم در کنار قاضی در دادگاه حضور داشته باشند و در رأی صادره تأثیر بگذارند. اما متأسفانه با آن که شواهد امر نشان‌دهنده نیاز به اصلاح این قانون است، قانون مذکور تاکنون به تصویب نرسیده است.» زمان طی شده جهت پذیرش فرزند برای اشخاصی که تمام شرایط را دارا هستند، خود از عوامل بحث‌برانگیز دیگر در این میان است. در این باره حسن‌الله‌کریمی، معاون امور اجتماعی بهزیستی شهرستان ری، اظهار می‌دارد: «زمان مراحل قانونی دادگاه بسیار طولانی‌تر از مدتی است که بهزیستی طی می‌کند. البته این بعد از قضیه است و فقط به قاضی مربوط می‌شود و ما در مقام اظهارنظر قرار نداریم.»

مسلم است که خرید و فروش کودکان نه تنها در سال‌های کودکی، بلکه در دوران بزرگسالی نیز تأثیرات زیانبار خود را بر جسم و روان انسان بر جای می‌گذارد. بدیهی است که عوارض این پدیده تنها اختصاص به کودک هم ندارد، بلکه دامنه آن در جامعه بسیار گسترده‌تر و فراگیرتر از تصور به نظر می‌رسد. تا جایی که می‌توان به رشد اخاذی پدر و مادرهای فروشنده، چوب حراج زدن مادران باردار به فرزندشان و سوء استفاده از زنان به عنوان ماشین‌های زایمان اشاره کرد. همچنین راه‌های بسیار هراس‌انگیز این جرم را نمی‌توان نادیده گرفته به طوری که فروشندگان جهت تسریع عمل غیرانسانی خود از فناوری‌های مدرن، مثلاً (اینترنت) بی‌بهره نمانده‌اند و در حال حاضر بازار اینترنتی فروش کودکان کم رونق نیست، زیرا آن‌ها نه نگران قانون هستند و نه از حقوق کودکان چیزی می‌دانند. اما پس از قرن‌ها که بردگی ملغی شده است، ما هنوز شاهد ایجاد و رویه‌های مشابه آن هستیم. حجم عظیم قاچاق کودکان به صورت موجی شدت گرفته است و این از نگاه برخی تحلیلگران مشابه همان برده‌داری و خرید و فروش برده‌هاست، زیرا در بسیاری از کشورها مبلغ پرداختی به رنگ پوست، وزن و ترکیب اعضای صورت بسیار بستگی دارد. نباید فراموش کرد هر انسانی حق دارد از اصل و نسب خود آگاه باشد و هیچ چیز بدتر از این نیست که انسان روزی بفهمد او را خریده‌اند.

ارزش اقتصادی برای والدین به حساب آورد. از سوی دیگر، صاحب فرزند شدن از این طریق از نگاه قانون و جامعه جرم بزرگی محسوب می‌شود که اطاعت نکردن از آن بالطبع عواقب سختی به دنبال خواهد داشت.

شیرین عبادی، حقوقدان می‌گوید: «پس از تصویب قانون حمایت از کودک در سال ۱۳۸۱، هر نوع عملی که سلامت جسمی و روحی او را مورد صدمه قرار دهد. جرم شناخته می‌شود و قدر مسلم جداساختن کودکی از دامن گرم خانواده و سپردن آن به فرد غریبه، حال چه مورد سوء استفاده قرار گیرد و چه نگیرد، جرم محسوب خواهد شد. هم‌چنین در صورتی که مورد اول هم انجام گیرد، جرم دیگری جدا از جرم نخست مرتکب شده‌اند.»

آنچه جای تأمل دارد این است که امروزه در بیشتر کشورهای دنیا در کنار حقوق عمومی که شامل آحاد ملت می‌شود، به تنظیم قواعد و قوانینی مبادرت ورزیده‌اند که مشخصاً ناظر بر حقوق نابالغان است و البته بنا به درجه توسعه اجتماعی، اقتصادی، امکانات و شرایط فرهنگی جامعه، حقوق کودک در همه جا یکسان نیست اما مهم این است که دولت با توسل به قوه قضاییه و اجرایی، از جمله قرار دادن شرایط سخت و سنگین، سعی بر آن دارد تا کودک از حداقل حق و حقوق قانونی خود برخوردار شود. گرچه طبق شواهد امر در هیچ کجای دنیا به طور مطلق این گونه نیست؛ ولی باید بدانیم در کشور خود ما، قوانین فرزندخواندگی به راستی با چه مشکلاتی مواجه است و متقاضیان کودک بیشتر به سمت روش‌های غیرقانونی تمایل پیدا می‌کنند و راه قانونی را سخت و ناهموار می‌دانند.

جای شگفتی است، اگر نگاهی دقیق به شرایط اعلام شده سازمان بهزیستی به خانواده‌های متقاضی بیندازیم، می‌بینیم تمکن مالی در اولویت ششم و عدم ابتلا به اعتیاد در اولویت هشتم قرار دارد. بر همین اساس، زن و شوهرهای تقاضا کننده در صورت دارا بودن ملک باید قسمتی از آن را به نام کودک ثبت کنند و اگر صاحب ملکی نباشند، حتماً از آنها چکی بیش از دارایی‌شان دریافت می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که به همین دلیل بسیاری از خانواده‌هایی که شرایط مساعدی جهت پذیرش فرزند دارند ولی از نظر دارایی در سطح مورد نظر دادگاه نیستند قاعداً باید از این امتیاز بی‌بهره بمانند.

احمد مظفری، قاضی دادگاه اطفال، می‌گوید: «سهل گرفتن این قانون از ضروریات است، زیرا این قانون موجباتی را فراهم می‌کند تا اشخاص به جای معامله با بهزیستی به سمت فروشندگان کودک سوق داده شوند.»